

اول فاطمه سالار قطار اهل اسلام علیه السلام ایام غنچه یوز سوره مکمل در آن
دو شوب ای صبا در دم خسته بدمان برسان یعنی ازین
بستان جان و جانان برسان شرح افتادگی من جویندی بر خیز
در غم آبی و بان برو خاندان برسان سربسته اخلاص اگر کوش
گفت زو و بر کرد و بین فروده احسان برسان و در نه نشین با
شفاست پیش ناله آغاز کن و قصه بیا بیان برسان ای صبا
اول سلطان از میان صلی الله علیه و آله و سلم فتح خانه در بعضی اول
بالا بر حاز عالم عثمان فتح استیلا زده در نیاز منیدین سیزه که بود
جان کدازی اول فتح در فزوز زینت سرائی زه طبعه سز مطر
بجز پروانه بود یاز سز سز دست یازی اول طیب مجنون نواز
تشنه سز که جو یاز طبع میوایم جوینده در یای دست در دید که صبا
بر در این الخطاب اولوب سز سعادت دار نهاد دار المخله
خانه بکشد سز سز بن عبد المطلبه یا خود گفت اشرف الرحمن اولوب
اول بر حضرت سیده المرسلین اصحاب گزین ای که کوشه نشین خلوت
سز فاس اولوب سز سز ای دین برسان اولوب که چون با دین

برین

برین کس داد دین را لب تیشک ای که ریاضت کش نهادن از نو
اولان سز بران اصحاب تیشک ای که با رسول سز درین چیف که بر
کشدین حیره کرب عوب بر عتقش میدان کارزار صافو رکن بر قرض
خسین ز سان حضرت که کوشه خلوت اولوب ز با رسول سز اگر
رضا جو طبع کیم الاخلاق اما رجا ایدر که بوشکان سز بر نو داد
اول قدر خصصت هجوم ویره سز که کبک ره میدان حضرت اولوب
و لکریه اولوب انداز کبیر علم او از کلام الله اولوب کدر نصف
اعدای دینه او در کم دست بر دست از بره پا داشت سز اولوب
بنیاد اولوب میدان خود صبا سز برین کوشه میدان سز کون
اولوب کردن نواز دنیا و آخرت اولوب دید بر اولی پناه بنیاد
صلی الله علیه و آله و سلم بر برینه تشریف بخش نیات اولوب ای مردان خدا
سز که چون درگاه جوینده دست برداشت سز بازم که جدم ابراهیم علیه السلام
نار دود اندود نرودی که کبرک سز ای که اولوب و موسی علیه السلام
در یای مرد خود نرودی و سز سز سز سز سز سز سز سز سز سز
حوت سز عقیق بر نه دخی صبر سز سز سز سز سز سز سز سز سز

مادس غوا دین

اندون سز
کردن